

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۹/۳۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۰۳/۰۳

سمیرا منصوری رودکلی^۱، یعقوب دانش دوست^۲، رضا ابوئی^۳

بازخوانی سیمای اصیل باغ شاه اشرف‌البلاد (بهشهر) در دوره‌های مختلف تاریخی^۴

چکیده

باغ شاه بهشهر یکی از باغ‌هایی است که در زمان شاه عباس صفوی و همزمان با پایه‌ریزی شهر اشرف‌البلاد (بهشهر کنونی)، به‌عنوان دیوانخانه - محلی برای به حضور پذیرفتن و پذیرایی از سفرا و مهمان‌های دربار - در این شهر ساخته شد. این باغ در طول تاریخ زندگی خود دچار تغییرات و تحولات بسیار شده است و آنچه اکنون از آن مشاهده می‌شود، بیشتر شبیه به یک پارک امروزی است تا یک باغ ایرانی؛ اما نظم هندسی موجود در باغ و نظام کاشت درختان کهن سال باغ و گردش آب موجود و دیواره مستحکم و برج و باروهای قدیمی آنکه تا به امروز باقی مانده‌اند، تصویر کلی از چهره اصیل باغ را تداعی می‌کنند. این تغییرات که ساختار باغ را متحول نموده است، به یکباره اتفاق نیفتاده بلکه به‌مرور و در طی دوره‌های تاریخی متعدد و بر اثر توجهات و بی‌توجهی‌های پیاپی به‌وجود آمده است. بنابراین این مقاله در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که با وجود تغییر بخش‌های گسترده‌ای از باغ و با در دست داشتن مجموعه اسناد و شواهد باقی مانده، بازیابی ساختار باغ شاه بهشهر در دوره‌های مختلف تاریخی چگونه امکان‌پذیر است؟ از این‌رو سعی شده تا با بررسی بخش‌های باقی مانده از ساختار اصیل باغ و مطالعه متون و اسناد تاریخی موجود، چهره اصیل باغ تا حد ممکن آشکار و سیر تحولات آن مشخص شود.

کلیدواژه‌ها: باغ شاه، اشرف‌البلاد، بهشهر، دوره‌بندی، ساختار باغ.

^۱ کارشناس ارشد مرمت و احیاء بناهای تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان، استان اصفهان، شهر اصفهان (نویسنده مسئول)

E-mail: smansouri88@gmail.com

^۲ دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران، استان تهران، شهر تهران

^۳ دانشیار گروه مرمت بناهای تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان، استان اصفهان، شهر اصفهان

E-mail: r.abouie@au.ac.ir

^۴ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد سمیرا منصوری رودکلی با عنوان «بازنگری طرح احیای باغ شاه بهشهر و ارائه طرح مرمت و احیای آن» به راهنمایی دکتر یعقوب دانش دوست و مشاوره دکتر رضا ابوئی در دانشگاه هنر اصفهان است.

مقدمه

توسعه شهرها و به روز شدن غیراصولی و تا حدودی غیرقابل کنترل آنها همواره باعث تغییر منظر بافت پیرامون بناهای تاریخی می شود؛ اما گاهی عدم توجه به ارزش های تاریخی و زیبایی شناسی این آثار در برنامه ریزی ها و طرح های شهری، یک بنای تاریخی را با خطر نابودی مواجه می سازد. این مسئله در خصوص باغ های تاریخی بسیار حائز اهمیت است، چراکه باغ ها به دلیل ساختار زنده و پویا (ارگانیک) سریعاً در معرض تغییر قرار می گیرند. به عبارت دیگر عناصری که منظر یک باغ را تشکیل می دهند، به خودی خود در طول زمان تمایل زیادی برای تغییر از خود نشان می دهند. پژمرده شدن گل ها، خشکیدن درختان و یا رویش گیاهان خودرو از جمله تغییراتی هستند که در اثر عدم رسیدگی می توانند چهره هر باغی را دگرگون سازند. باغ شاه واقع در شهر بهشهر نیز در اثر عدم رسیدگی صحیح و نادیده گرفته شدن ارزش هایش در توسعه و دگرگونی شهر، صدمات بسیاری را متحمل شده است. این حضور باغ در شکل جدید درعین حال موجب شده تصویری از باغ در ذهن ایجاد شود که چندان با اصل خود انطباق ندارد. خوشبختانه بخش هایی از این باغ باقی مانده که خوانایی ساختار کلی باغ را تا به امروز حفظ نموده است. بنابراین این مقاله با رجوع به بخش های باقی مانده از باغ و درعین حال مطالعه متون و اسناد تاریخی که در آنها از این باغ سخن به میان آمده است، سعی در شناسایی و بازیابی ساختار و شکل کلی و درعین حال اصیل باغ دارد. برای این منظور پس از مروری کوتاه در مورد بستر شکل گیری باغ و وضعیت امروزی آن، سیر کلی تحولات باغ بررسی شده است. سپس تغییرات انجام شده در عناصر ساختاری باغ به طور جداگانه مورد مطالعه قرار می گیرد و در پایان نیز نقشه هایی شماتیک از کلیت باغ در هر یک از بازه های زمانی مورد بررسی ارائه خواهد شد که الگویی از تحولات صورت گرفته در باغ را به دست خواهد داد.

روش تحقیق

تحقیقی که این مقاله بخشی از نتایج آن است بر مبنای اسناد و مدارک تاریخی و همچنین پیمایش های میدانی صورت گرفته است. برای انجام این پژوهش در ابتدا اثر مورد نظر در بستر اصیل خود و در میان مجموعه باغ های صفوی بررسی شد و تغییرات رخ داده در بستر و عرصه باغ مورد مطالعه قرار گرفت. پس از آن، مطالعه اسناد و تحلیل آنها در ارتباط با یکدیگر، دومین مرحله از تحقیق را تشکیل می داد. در طی این دو گام، بررسی و بازخوانی اجزا و عناصر باغ به ویژه آنها که از اهمیت بیشتری در ساختار آن برخوردار بودند صورت گرفت. در نهایت بر مبنای انطباق لایه های اطلاعاتی و تحلیل محتوای اسناد، بازسازی تصویری از شمای کلی باغ در دوره های مختلف تاریخی در قالب چند پلان صورت پذیرفت.

پیشینه پژوهش

پیش از این در قالب کتاب ها و همایش ها و پایان نامه های دانشجویی به شناخت و معرفی باغ های ایرانی پرداخته شده است که از آن جمله می توان به برگزاری همایش باغ ایرانی در سال ۱۳۸۳ و انتشار مقالات این همایش در کتاب «باغ ایرانی حکمت کهن، منظر جدید»، تألیف و انتشار کتاب هایی مانند کتاب باغ ایرانی بازتابی از بهشت نوشته مهدی خوانساری و دیگران، پژوهشی در باغ های ایران و باغ های تاریخی شیراز نگارش علیرضا آریان پور و کتاب باغ ایرانی از نگاه یک باغبان نوشته غزاله روحانی اشاره کرد. اما نگاهی که در این پژوهش دنبال شده است، نگاهی اسنادمحور به یک باغ تاریخی در ایران و شناخت ساختار اصیل آن در دوره های زمانی مختلف است. مشابه چنین رویکردی به باغ های تاریخی را می توان در کارهای مهوش عالمی در بررسی ساختارشناسی باغ های فرح آباد و اشرف البلاد، شیراز، قزوین و ...

و برخی پژوهش‌های متأخر از جمله پژوهش‌های حمیدرضا جیحانی در مورد باغ‌های تهران و برخی از پایان‌نامه‌ها دنبال کرد.

نگاهی به باغ شاه

در این بخش برای معرفی بهتر باغ شاه، به موقعیت قرارگیری و نحوه شکل‌گیری بستر باغ پرداخته خواهد شد. سپس وضع موجود باغ و سیر تحولات آن در طول زمان بر اساس مدارک و اسناد موجود مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مروری بر باغ و بستر آن در طول تاریخ

آثار باستانی یافت شده و اسناد موجود نشان از قدمت بسیار زیاد شهرستان بهشهر دارد (باباعسگری، ۱۳۵۰، ۱۱۵)؛ اما دوران رونق این منطقه در زمان شاه عباس اول صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ ه.ق.) بوده است. پس از برچیده شدن نظام ملوک‌الطوایفی در مازندران، این منطقه مورد توجه شاه عباس اول قرار گرفت و او جهت شکار و تفریح مکرر به این منطقه می‌آمد؛ تا اینکه در سال ۱۰۲۱ ه.ق. بهشهر را که در آن زمان روستایی بیش نبود، با نام اشرف‌البلاد پایه‌ریزی نمود (رابینو، ۱۳۶۵، ۱۰۵). شوالیه شاردن (۱۰۵۱-۱۱۲۵ ه.ق.)، سیاح فرانسوی که در زمان شاه عباس دوم (۱۰۴۲-۱۰۷۶ ه.ق.) از منطقه مازندران دیدن کرده است به کوچاندن عده‌ای از اهالی ارمنستان و گرجستان به این شهر توسط شاه عباس اشاره می‌کند (شاردن، ۱۳۵۰، ۲۵). شاه عباس پس از پایه‌ریزی شهر، اقدام به ساختن مجموعه‌ای از باغ‌های شاهی در اشرف‌البلاد نمود و سپس دستور ساختن مجموعه‌ای از بناهای عمومی شهری مانند آب انبار، بازار و حمام در آنجا داد. پیترو دل‌واله که در زمان شاه عباس کبیر و در حین ساختمان این مجموعه از آن بازدید می‌کند، از باغ شاه و چند باغ ناتمام دیگر مانند باغ تپه، باغ خلوت و باغ شمال که در آن زمان هنوز در حال ساخت بودند دیدن کرده و اظهار می‌کند که مسیر رسیدن به باغ شاه که دولتخانه شاه عباس است، پس از عبور از یک خیابان طویل و گذشتن از یک میدان که در واقع محل بار عام شاه محسوب می‌شود صورت می‌گیرد (دل‌واله، ۱۳۷۰، ۲۷۵ و ۲۷۶). در نقشه فعلی اشرف می‌توان منطقه باغ‌های شاهی و بقایای برخی اجزای تشکیل‌دهنده آن را بازشناخت (شکل ۱).



شکل ۱. انطباق محدوده باغ‌های قدیم بر روی نقشه جدید بافت اطراف باغ

منبع: نگارندگان

در زمان سایر پادشاهان صفوی از میزان توجه به اشرف‌البلاد کاسته شد، اما در سال ۱۱۴۴ ه.ق.، نادرشاه افشار (۱۱۰۸ - ۱۱۶۰ ه.ق.) که هنوز یک فرمانده نظامی در دربار صفویان بود، دستور بازسازی عمارت باغ را داد و از آن به‌عنوان مکان استقرار در زمان جنگ با لژی‌ها استفاده نمود. از طرح باغ و بنای داخل آن در این دوره چندین سیاح و محقق بازدید کرده‌اند و نقشه‌هایی نیز تهیه نموده‌اند. یکی از اولین طرح‌هایی که عمارت نادرشاهی در آن مشاهده می‌شود، تابلویی است که نقاشی که همراه هومر دوهل بوده در سال ۱۲۶۴ ه.ق. (۱۸۴۷ م.) آن را حکاکی کرده است (شکل ۲). هانوی که در سال ۱۱۵۶ ه.ق. (۱۷۴۳ م.) از مجموعه باغ‌ها بازدید کرده نیز مشاهدات خود را در سفرنامه‌ای نوشته است (Hanway, 1753, 124).



شکل ۲. نقاشی از عمارت نادرشاهی چهلستون تهیه شده توسط هومر دوهل

منبع: دونالد ویلبر، ۱۳۸۷، ۱۴۰ و ۱۴۱

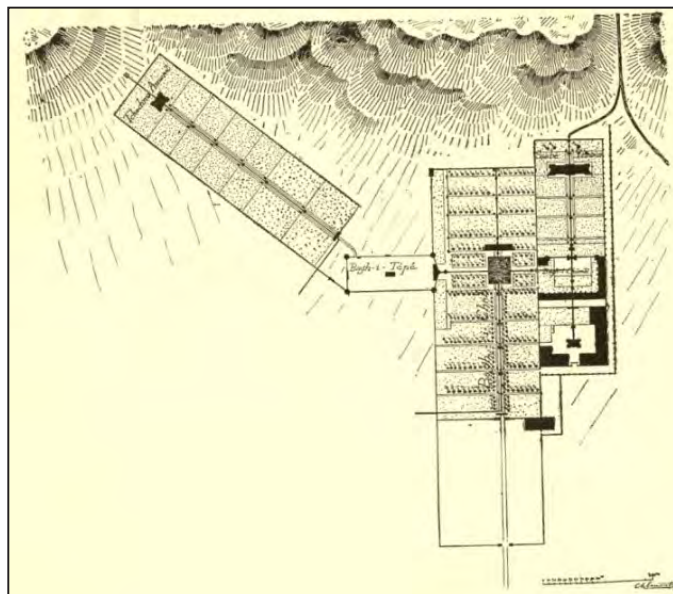
پس از نادرشاه، اشرف دوباره در فراموشی و ویرانی فرو رفت. اوضاع تا زمان فرار آغا محمدخان قاجار (۱۱۲۱-۱۱۷۶ ه.ق.) از شیراز به استرآباد به همین منوال بود. آغا محمدخان مردم را به تعمیر اشرف تشویق کرد. باغ شاه و عمارت آن دوباره در زمان ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۴۷-۱۳۱۳ ه.ق.) مورد توجه قرار گرفت. بیشترین اسنادی که باغ و عمارت آن را توصیف کرده‌اند، مربوط به این زمان می‌شوند. بازدید سفرنامه‌نویسان و محققان از این مکان و همچنین علاقه شاه و درباریان به عکاسی در این زمان موجب شد که وضع آثار تاریخی باقی‌مانده شهر در این زمان به‌خوبی مستندسازی شود. در این زمان عمارت داخل باغ مورد تعمیرات اساسی قرار گرفت که این کار چهره عمارت را به‌کلی تغییر داد. البته عکس‌هایی که از این عمارت قبل و بعد از این تعمیرات برداشته شده، چهره عمارت نادرشاهی پیش از تغییر و چگونگی این تعمیرات را به‌خوبی آشکار می‌سازند (شکل ۳ و ۴).



شکل ۳ و ۴. دو عکس از عمارت چهلستون پیش و پس از تعمیرات ناصرالدین شاه، (دید از شمال)

منبع: عکسخانه کاخ گلستان

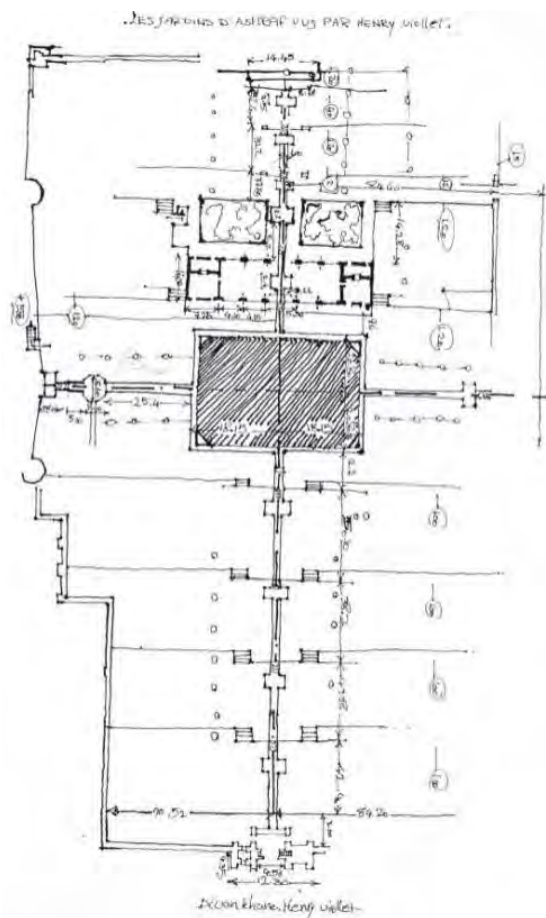
ملگونوف سیاح روسی نیز که در سال ۱۲۷۷ ه.ق. یعنی حدوداً مقارن با اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار از اشرف بازدید کرد و مدتی در آنجا اقامت داشت، این بنا را توصیف می‌کند (ملگونوف، ۱۳۶۴، ۸۸). البته در این زمان باغ شاه متروک و ویران شده بود. ملگونوف در سفرنامه خود اشاره می‌کند که پیش از بازسازی‌های جدید، باغ مکان چرندگان و دزدان شده بود (ملگونوف، ۱۳۶۴، ۹۰). محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، یکی از درباریان نیز توصیفات از باغ و عمارت آن پیش از این تعمیرات دارد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴، ۱۹۵). علاوه بر این‌ها، یک باستان‌شناس فرانسوی به نام ژاک دمورگان در زمان ناصرالدین شاه از اشرف‌البلاد بازدید کرده و نقشه دقیقی از مجموعه باغ‌های آن تهیه نموده است که به خوبی می‌تواند به فهم باغ در اوایل حکومت ناصرالدین شاه کمک کند (شکل ۵).



شکل ۵. نقشه باغ شاه و سایر باغ‌های اطراف آن در سال ۱۸۹۰ م.

منبع: De Morgan, 1894, 181

شخص دیگری که در اواخر حکومت ناصرالدین شاه از این مکان بازدید نمود، هانری ویوله است که نقشه‌های بسیار دقیقی از مجموعه باغ‌های صفوی تهیه کرد. در نقشه ویوله (شکل ۶)، پلان عمارت، چگونگی سیستم گردش آب در باغ و حتی جای تعدادی از سروهای قدیمی باغ به دقت مشخص شده است. به نظر نمی‌رسد که در تعمیرات ناصرالدین شاهی، توجه چندانی به باغ شده باشد؛ به جز دو باغچه کوچک که به قسمت پشتی (جنوبی) عمارت افزوده شده و سایر قسمت‌های باغ به حال خود رها شده است. ناصرالدین شاه در سفرنامه‌اش اشاره می‌کند که در هنگام اقامت وی در باغ، تمام همراهانش در باغ چادر برپا کرده بودند (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۸۴، ۷۱).



شکل ۶. نقشه باغ شاه در سال ۱۹۱۳ م

منبع: ویوله، ۱۹۱۳، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور

در دوران پهلوی نیز در دوره بیست ساله اول چندان توجهی به بهشهر نمی‌شد، اما پس از آن این شهر بسیار مورد توجه واقع شد. این نام، یعنی بهشهر نیز در دوره رضاشاه به اشرف‌البلاد اطلاق شد (سعیدیان، ۱۳۸۷، ۲۵۶). اما تقریباً هم‌زمان با ورود مدرنیسم به ایران و شروع رویکردهای مدرن در شهرسازی، از توجه به ارزش بافت‌های تاریخی باقی‌مانده در این شهر کاسته شد. این به آن معناست که گهگاه اصالت تاریخی این آثار فدای بهبود کیفیت فضا می‌شد و این امر موجب شد تا در بافت‌های تاریخی باقی‌مانده بدون توجه به شکل و ساختار اصیلشان به‌منظور رفاه بیشتر کاربران تغییراتی به‌وجود آید. این روند پس از انقلاب اسلامی ایران نیز ادامه یافت که در ادامه همین اقدامات، اکنون بخش اعظم مجموعه باغ‌های صفوی و تأسیسات شهری مربوط به آن زمان از بین رفته‌اند و یا در معرض نابودی هستند.

وضعیت موجود باغ

امروزه از آنچه در دوران صفوی اشرف‌البلاد نامیده می‌شد، چیزی باقی نمانده است. بهشهر امروزی با خیابان‌کشی‌های جدید و ساختمان‌هایی با شمایل رایج امروزی ایران، کوچک‌ترین شباهتی به چهره پیشین خود ندارد و تنها بقایایی از باغ‌های کهن را در خود جای داده است. خیابان اصلی شهر که از جانب دریا در شمال شروع می‌شد و در نهایت به میدان بیرون و باغ شاه منتهی می‌گشت، به یک خیابان شلوغ و

پرتردد و درجه دوم شهری بدل شده است که خیابانی عریض تر با کشیدگی شرقی-غربی، ارتباط آن را با آنچه از میدان باقی مانده قطع می کند. از بناهای خدماتی شهر مانند بازارها، کاروانسرا و حمام و ... که در کتابها به آنها اشاره شده است، فقط خرابه هایی از یک آب انبار قدیمی باقی مانده است. در میان این بافت ناهمگون و سراپا متفاوت از سیمای سرسبز و ساده اشرف البلاد، بقایایی از مجموعه باغ های صفوی به چشم می خورد. آنچه باقی مانده است را به زحمت می توان مجموعه نامید؛ زیرا تنها شامل تکه هایی پراکنده از بناهای تاریخی می شود که در میان انبوه ساخت وسازهای جدید و ناهمگون به سختی دیده می شوند (شکل ۷). در این میان، باغ شاه که با تبدیل شدن به پارک شهر به حیات خود ادامه می دهد، شاید تنها بخشی از مجموعه است که علی رغم الحاقات و تغییرات بسیار، تهرنگی از ساختار حقیقی خود را حفظ نموده است. استخر اصلی و بزرگ باغ تبدیل به باغچه ای از گیاهان تزئینی شده و گردش آزادانه اتومبیل ها در خیابان های آن حال و هوای آرامش بخش باغ را به کلی دگرگون کرده است (شکل ۸)؛ اما شاید مهم ترین عاملی که تصویر امروز باغ را از تصویر اصیل آن متمایز می کند، نگاه مردم به باغ و جایگاه آن در شهر است. باغ شاه که زمانی مکان حضور شاه بوده و تمام عناصر شهری دست اندرکار پرشکوه تر جلوه دادن و جلال بخشیدن به آن بوده اند، اکنون به پارکی نه چندان شاداب تبدیل شده است که بسیاری از کسانی که در طول روز از آن عبور می کنند، حتی فرصتی برای لذت بردن از مناظر آن ندارند.



شکل ۷. بقایای باغ چشمه عمارت که در میان خانه های مسکونی احاطه شده است

منبع: نگارندگان

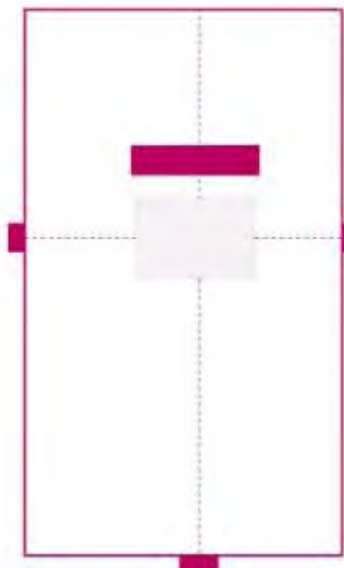


شکل ۸. منظره ای از موقعیت استخر قدیمی باغ که در دوران پهلوی اول به باغچه هایی با گل های تزئینی تبدیل شده است

منبع: نگارندگان

بازخوانی سیمای اصیل باغ

در این بخش تلاش می‌شود تا با توجه به مدارکی که از این باغ در دست است، وجوه اصیل باغ مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. برای این منظور اجزای مختلف باغ به‌طور جداگانه بررسی می‌شوند و سپس ساختار آن در گذشته و در حال حاضر مورد توجه قرار خواهد گرفت.



شکل ۹. ساختار کلی باغ شاه
منبع: نگارندگان

عرصه کلی باغ

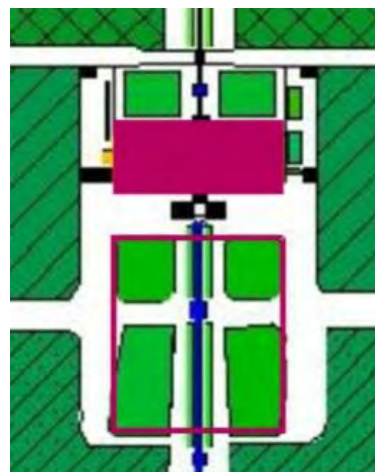
باغ شاه به‌شهر را به سبب آنکه از همان ابتدای طرح‌ریزی و ساخت در میان باغ‌های دیگر محصور شده و با هر کدام از آنها به نحوی مرتبط بود، می‌توان جزئی از یک الگوی باغ در باغ و در واقع هسته مرکزی آن دانست. همان‌طور که گفته شد، اشرف‌البلاد شهری در میان تپه‌های پوشیده از جنگل و جلگه مسطح گسترده تا کنار دریای خزر است. باغ‌های شاهی در بالاترین نقطه شهر از لحاظ ارتفاعی و نزدیک‌ترین محل به سرچشمه آب‌های شیرین منطقه، یعنی در میان تپه‌های پردرخت قرار گرفته‌اند و به‌کل شهر اشرف دارند. از سوی دیگر این شهر در زمان شاه عباس دارای بافتی روستایی بود و در ضمن شهری برای اقامت دائم شاه نیز نبود و در هر سال، تنها در مقاطع زمانی محدودی در آن ساکن می‌شدند و در باقی مدت سال، کل مجموعه شاهی تقریباً خالی از سکنه بود.

بنابراین انتخاب الگوی باغ در باغ با سیستم دسترسی درون‌گرا، امری کاملاً منطقی به نظر می‌رسد. با این حال در اتصال این باغ‌ها به شهر، مانند سایر شهرهای ساخته شده در این زمان مانند اصفهان از میدانی عمومی و یک خیابان طویل که مجموعه باغ‌های شاهی را به بافت شهر مرتبط می‌کرده کمک گرفته شده است. باغ شاه به‌شهر نیز مانند بسیاری از باغ‌های ایرانی در زمینی شیب‌دار ساخته شده است که در آن از شیب طبیعی زمین، برای هدایت آب و تقسیمات داخلی (کرت‌ها و میان کرت‌ها) استفاده شده است و همین عامل مسلماً در انتخاب‌های بعدی و در شکل و شمایل کلی باغ بسیار تأثیرگذار بوده است. ساختار کلی باغ شاه گویای هندسه‌ای ساده و منظم است که از شیب زمین و مسیر جریان آب متأثر شده است (شکل ۹). با نگاهی اجمالی می‌توان محدوده باغ را به‌صورت مستطیلی فرض کرد که دو محور عمود بر هم مهم‌ترین مسیرهای حرکت و دید و منظر را در این باغ تشکیل می‌دهند. در محل تقاطع این

دو محور، یک حوض بزرگ قرار گرفته و گوشک اصلی باغ در امتداد محور طولی و در پشت حوض بزرگ قرار گرفته است. گوشک و حوض که نقاط بااهمیت باغ محسوب می‌شوند، دقیقاً در وسط باغ قرار نگرفته‌اند و کمی به سمت جنوب متمایل‌اند که این مسئله به دلیل مسیرهای ورود آب از باغ تپه و باغ حرم اتفاق افتاده است. می‌توان گفت که این ساختار کلی در تمام تغییرات و الحاقاتی که در طول زمان به این باغ تحمیل گشته، همواره ثابت بوده است. نکته جالب توجه در عرصه این باغ آن است که دیواره شرقی باغ که در حال حاضر چند شکستگی در پلان آن دیده می‌شود و اشخاصی مانند دمورگان و دلاواله و ویلبر و دیگران آن را صاف فرض کرده‌اند، در نقشه و یوله بسیار دقیق نشان داده شده است، با تمام اعوجاج‌ها و شکستگی‌هایش در پلان، بنابراین این پلان برای عرصه باغ دقیق به نظر می‌رسد.

گردش آب در باغ

در باغ شاه بهشهر علاوه بر تلاش برای استفاده صحیح از آب، سعی شده تا آن را در نهایت زیبایی به نمایش بگذارند و از همه جنبه‌های حیاتی و زیبایی‌های دیداری و شنیداری آن کمال بهره و لذت را ببرند. در اصل آب این باغ از دو منبع تأمین می‌شده است که با برداشت‌های دمورگان، محل آنها مشخص شده است. یکی از منابع، چشمه‌ای در سمت راست باغ شاه است که بنای باغ چشمه عمارت نیز بر روی آن برپا شده بوده است. دمورگان همچنین با ترسیم نشان می‌دهد که چگونه آب این چشمه پس از آنکه باغ چشمه عمارت را مشروب ساخت، به سمت باغ تپه جاری می‌شود و پس از آن مازاد آب از طریق جوی‌ها و تنبوشه‌هایی که بالای دیوار باغ تعبیه شده به باغ شاه هدایت می‌شود (دمورگان، ۱۸۹۴، ۱۸۴). البته با توجه به محل‌های ورود آب به حوض بزرگ میانی و موقعیت قرارگیری منابع آن، مسیر جریان آب از بالادست گوشک و از سمت جنوبی باغ به سمت حوض کاملاً غیرمنطقی به نظر می‌رسد. طرح دستی دلاواله نیز با نشان دادن مسیرهای جریان آب، این نکته را تأیید می‌نماید (Alemi, 1994, 205). در این نقشه هیچ اشاره‌ای به آبی که از بالای گوشک به سمت حوض سرازیر شود نشده است و در ضمن با وجود پلکان‌های دیوانخانه که دلاواله جای آنها را در جلوی بنا نشان داده است، این امر غیرممکن به نظر می‌رسد. البته در حال حاضر که حوض پر شده، جوی‌هایی که در امتداد خیابان‌های عرضی باغ جریان داشته‌اند، از بین رفته‌اند و آب تنها در امتداد محور طولی باغ جاری است. منابع آن نیز تغییر یافته‌اند و آب به وسیله لوله‌کشی به ابتدای مسیر هدایت می‌شود.



شکل ۱۰. انطباق گوشک و حوض مقابل آن بر اساس اندازه‌های هانری و یوله بر نقشه امروزی باغ

منبع: نگارندگان

در طرح اصیل باغ، مهم‌ترین مکان برای حضور آب که با بزرگی در مقیاس و موقعیت قرارگیری آن در مرکز و محل تلاقی محورهای اصلی نیز بر اهمیت آن تأکید شده است، حوض بزرگ بوده که آب‌های جاری در باغ پس از طی مسیر در آن آرام می‌گرفتند و سپس وارد آبروهای محور طولی باغ می‌شدند. شاید مهم‌ترین وظیفه این حوض که عمق زیادی نیز داشته است، سکون آب و انعکاس تصویر عمارت دیوانخانه بوده است. مکان این حوض که در تغییرات پهلوی پر شده، دقیقاً مشخص نیست. هانری ویوله ابعاد دقیق آن را در نقشه خود آورده است. با ترسیم حوض و کوشک با ابعاد و اندازه‌هایی که توسط ویوله ارائه شده و قرار دادن آن بر روی نقشه امروزی باغ (شکل ۱۰)، می‌توان نتیجه گرفت که در حال حاضر در جای حوض پیشین، چهار باغچه ساخته شده است که البته صحت این مدعا باید با تحقیقات بیشتر و گمانه‌زنی‌ها بررسی شود.

به جز این حوض بزرگ، دو حوض کوچک‌تر نیز در باغ وجود داشت که در آبروهای میان خیابان‌های عرضی شرقی و غربی باغ قرار گرفته بودند که تنها در پلانی که هانری ویوله از باغ ارائه می‌کند دیده می‌شوند. یکی حوضی هشت‌گوش و دیگری به شکل چهارگوش ساخته شده است. غیر از این‌ها حوضچه‌هایی نیز در پایین هر آبشیره قرار دارد. در مسیرهای آب به هیچ‌وجه از فواره استفاده نشده و دلاواله در نامه‌هایش بر این موضوع تأکید می‌کند (دلاواله، ۱۳۷۰، ۲۶۶)؛ اما در باغ شاه برای به نمایش گذاشتن زیبایی‌های آب، از سنگ‌های تراش‌خورده‌ای استفاده شده است که تعدادی از آنها هنوز هم باقی مانده‌اند (شکل ۱۱). اولین زمانی که این آبشیره‌ها در باغ کار گذاشته شده‌اند، مشخص نیست. دلاواله که باغ زمان شاه عباس را دیده و وصف نموده، به وجود آنها اشاره‌ای نمی‌کند، اما در تصاویر عمارت افشاری و پس از آن به وضوح دیده می‌شود و هانری ویوله که در واقع از باغ در زمان قاجار دیدن کرده، حتی جای تک‌تک آنها را در نقشه خود نشان می‌دهد. اگرچه سندی که وجود یا فقدان این آبشیره‌ها را در زمان صفوی تأیید کند به دست نیامده است.



شکل ۱۱. تصویری از سنگ‌های تراش‌خورده که در مسیر آبروهای باغ قرار داده شده است

منبع: نگارندگان

دیواره این آبروها و بدنه حوض‌ها نیز از قطعات سنگ ساخته شده است. دمورگان جزئیاتی را از چگونگی اجرای سنگ‌های لبه جوی‌ها ارائه می‌کند (دمورگان، ۱۸۹۴، ۱۸۴). دونالد ویلبر در کتاب خود به سوراخ‌هایی که برای روشن کردن شمع در این سنگ‌ها تعبیه شده بود اشاره می‌کند (ویلبر، ۱۳۸۷، ۱۴۲). ساختار اصلی این آبراهه‌ها (به جز بخش‌هایی از آن که کاملاً تخریب شده است) و جای شمع‌ها بر روی آنها تاکنون باقی مانده است؛ اگرچه محل قرار گرفتن سوراخ‌های شمع‌ها نامنظم است و واضح است که در مواردی سنگ لبه جوی‌ها تعویض شده است. در دوره پهلوی اول در پی تغییراتی که در کوشک میان باغ ایجاد شد، حوض میان آن نیز برداشته شد و در حال حاضر مسیر آب از زیر کوشک می‌گذرد. در نهایت بر

اساس اسناد و مدارک تاریخی، سیستم گردش آب باغ شاه بهشهر در دوره‌های مختلف تاریخی را می‌توان به صورتی که در نقشه‌های دوره‌بندی باغ نشان داده شده است، تصویر نمود (شکل‌های ۲۰ تا ۲۳).

خیابان‌های باغ

باغ شاه بهشهر دارای دو خیابان اصلی عمود بر هم است که علی‌رغم همه تغییراتی که در طول سالیان بر پیکره آن وارد شده، کم‌وبیش بدون تغییر باقی مانده‌اند. در واقع می‌توان این دو خیابان را در حکم استخوان‌بندی باغ دانست که به جهت وجود مسیر جریان آب در این موقعیت مکان‌یابی شده‌اند. یکی از این خیابان‌ها در وسط باغ و در امتداد جهت طولی آن و دیگری در امتداد جهت عرضی باغ و کمی بالاتر از حد میانی آن قرار دارد. در امتداد این خیابان‌ها بیننده با مناظر متنوعی روبه‌رو می‌شود؛ خیابانی که با درختان بلند و همیشه‌سبز سرو پوشیده شده و در طول مسیر همواره با جریان آب و صدای آن همگام خواهد بود. وجود سروهای کهن در کناره‌های این دو خیابان از اصالت آنها حکایت می‌کند و حتی پس از از بین رفتن عناصر مهمی مانند آبراهه‌های میان خیابان عرضی، بر درستی موقعیت آنها صحه می‌نهد. به‌جز این دو مسیر، یک خیابان فرعی‌تر اما مهم دیگر نیز در باغ وجود دارد، خیابانی عرضی که از پشت کوشک عبور می‌کند. خیابان دیگری که در باغ وجود دارد، خیابانی است که دورتادور باغ و بلافاصله بعد از حصار باغ در داخل قرار دارد. این خیابان مسیر کم‌عرضی است که از یک‌سو با دیوار باغ و از سوی دیگر با ردیف درختان سرو تحدید شده است.

درختان باغ

در باغ شاه بهشهر نیز مانند بسیاری از باغ‌های ایرانی از ترکیب درختان خزان‌پذیر و همیشه‌سبز و درختان مثمر و غیرمثمر استفاده شده است. در این باغ، در کناره‌های خیابان‌ها از درختان سرو و در میانه کرت‌ها اغلب از درختان مرکبات و در مواردی از درخت انار و گردو استفاده شده است. این شیوه درختکاری که هم‌اکنون نیز در باغ مشهود است، از همان ابتدای برپایی باغ کم‌وبیش به همین صورت بوده است؛ چنان‌که مسافران و محققانی که این باغ را توصیف کرده‌اند، از درختان سرو و مرکبات به‌عنوان اصلی‌ترین انواع گیاهی باغ نام برده‌اند (دلاواله، ۱۳۷۰، ۲۶۵؛ ملگنوف، ۱۳۶۴، ۹۰) (شکل ۱۲).



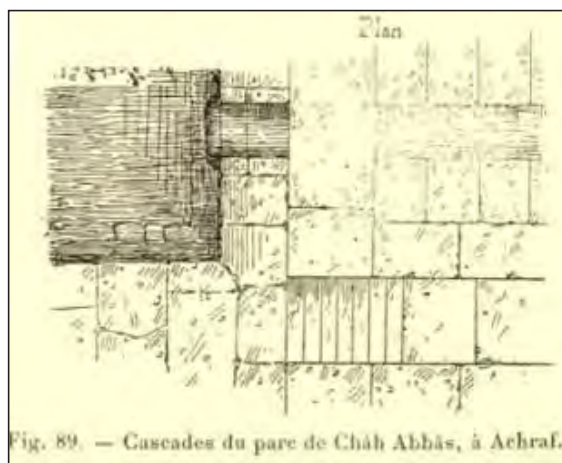
شکل ۱۲. تصویری از درختان سرو کهنسال باغ

منبع: نگارندگان

در حال حاضر درختان باغ را علاوه بر نوع و جنس، از لحاظ سن نیز می‌توان دسته‌بندی کرد. از درختان سرو و باغ که گونه اصلی درختان سایه‌گستر باغ را تشکیل می‌دهند، به جز چند درخت کهنسال (که با توجه به قطر بدنه آنها می‌توان به قدمت آنها پی برد)، سایر آنها نسبتاً جوان هستند. درختان قدیمی باغ عموماً در قسمت پشتی کوشک و یا در کناره‌های خیابان اصلی واقع شده‌اند. درختان اصیل باغ یا به مرور زمان و در اثر کم توجهی از بین رفته‌اند و یا با درختان جوان‌تر جایگزین شده‌اند. درختان مرکبات همگی جوان هستند اما مانند طرح اصلی باغ، در میان کرت‌ها قرار گرفته‌اند. به جز این درختان می‌توان به درختان تزئینی اشاره کرد که در حال حاضر در طرح باغ گنجانده شده‌اند، اما در هیچ سند تاریخی، اعم از اسناد تصویری و یا نوشتاری، اشاره‌ای به وجود آنها در طرح اصیل باغ نشده است. این گونه از درختان که عمدتاً در قسمت مرکزی باغ یعنی در اطراف کوشک اصلی و در محل حوض بزرگ (که اکنون پر شده) واقع گشته‌اند و احتمالاً در تغییرات دوره پهلوی به باغ اضافه شده‌اند، زیرا در اسناد قدیمی باغ اثری از آنها نیست و همچنین حوض نیز در همین زمان پر شده و تبدیل به باغچه شده است. نقشه گیاهان باغ در دوره‌های مختلف تاریخی، در نقشه‌های دوره‌بندی باغ آورده شده است.

کف‌سازی باغ

پس از موضوعات مهمی مانند گیاهان، آب و عرصه باغ، می‌توان از کف باغ به‌عنوان یک عنصر کالبدی بااهمیت دیگر نام برد. در باغ شاه به‌شهر آن‌گونه که در سفرنامه‌ها و اسناد اشاره شده، کف باغ از سنگ پوشیده شده بوده است. برای دانستن جنس، ابعاد و چگونگی قرارگیری این سنگ‌ها هم می‌توان از سنگ‌های باقی‌مانده در لبه جوی‌ها استفاده کرد و هم از جزئیاتی که دموورگان در زمان قاجار از باغ ارائه نموده است (شکل ۱۳). از این اسناد می‌توان دریافت که کف باغ نیز از سنگ‌هایی از جنس سنگ لبه جوی‌ها و حوض پوشیده شده بوده است. اگرچه در زمان متروکه بودن باغ، سنگ‌های کف‌سازی نیز مانند سایر مصالح بناهای موجود در باغ‌ها، توسط مردم برای ساختن بناهای دیگر از باغ خارج شده است (فریزر، ۱۳۶۴، ۲۵) و (میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵، ۸۴ و ۸۵).

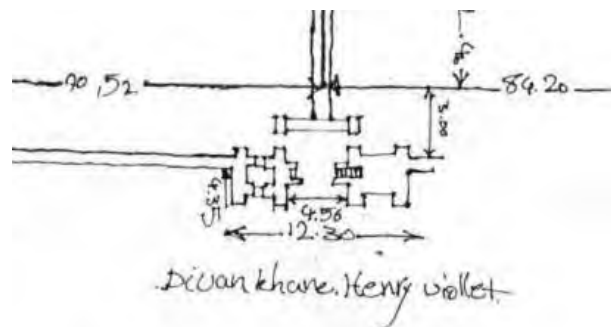


شکل ۱۳. جزئیات کف‌سازی سنگی باغ شاه که توسط دموورگان تهیه شده است

منبع: De Morgan, 1894, 184

در حال حاضر جنس کف‌سازی باغ شاه به‌شهر بسیار متنوع است. در قسمت‌هایی که برای عبور و مرور ماشین‌ها در نظر گرفته شده، از آسفالت برای پوشاندن سطوح استفاده شده و در قسمت‌های عبور و مرور

پیاده‌ها، کف خیابان‌ها از موزاییک پوشیده شده است. قسمت پشتی کوشک نیز به‌خاطر اینکه بسیار کم در معرض دید و استفاده است، به حال خود رها شده و کف آن پوشیده از خاک و سبزه‌های خودرو است.



شکل ۱۴. نقشه سر در باغ شاه برداشت شده از نقشه ویوله

منبع: ویوله، ۱۹۱۳، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور

بناهای باغ

بناهای باغ به‌عنوان اندام‌های کالبدی در ساختار فضایی - کالبدی باغ، اگرچه به‌تنهایی در مقیاس باغ فضاهایی خرد به‌شمار می‌آیند، اما در شکل بخشیدن به تجسم فضایی باغ نقشی عمده ایفا می‌کنند، به‌گونه‌ای که تصور باغ بدون وجود آنها تصویری ناقص و باطل خواهد بود. این بناها در باغ شاه به‌شهر شامل کوشک میانی و بناهای سر در باغ هستند که در حال حاضر یا از بین رفته و یا به‌طور کامل تغییر یافته‌اند.

باغ شاه به‌شهر در طرح اصیل خود دارای چندین سردر بوده است که البته اکنون وجود ندارند، اما از لابه‌لای متون و اسناد تاریخی می‌توان به وجود آنها پی برد. یکی از این سردرها، ورودی اصلی باغ از میدان جلوی آن بوده است که در واقع مهم‌ترین آنها نیز محسوب می‌شود. همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، از جمله سیاحانی که توصیفات را از این سردر ارائه کرده‌اند، می‌توان به دلاواله اشاره کرد (دلاواله، ۱۳۷۰، ۲۷۶). تنها هانری ویوله در طرحی که از باغ تهیه نموده، نقشه سردر را نیز ارائه می‌کند (شکل ۱۴). در این نقشه، اتاقک نگهبانی و ورودی باغ و یک سری پله که احتمالاً به طاق‌نمای بالای سردر منتهی می‌شود، دیده می‌شوند. برای دست یافتن به تصویری از این سردر، با دقت بیشتر در یکی از تصاویر قاجاری بنای چهلستون، می‌توان بنای سردر قاجاری باغ را که از دور پیداست، مشاهده نمود. در این تصویر (که احتمالاً با نقشه هانری ویوله هم‌دوره باشد)، بنای سردر دارای سقف شیروانی است (شکل ۱۵).



شکل ۱۵. تصویری از نمای جنوبی عمارت در زمان قاجار و بزرگ‌نمایی سردر

منبع: آرشیو عکسخانه کاخ گلستان

در حال حاضر این بنا به طور کامل تخریب شده است و میان عرصه باغ و میدان پیشین، هیچ گونه جداکننده‌ای وجود ندارد. به جز این بنا، بر اساس نقشه هانری ویوله، سه سردر دیگر هم در باغ وجود داشته است که امروزه اثری از آنها نیز باقی نمانده است و تنها در بعضی از سفرنامه‌ها به آنها اشاره شده است. اما مهم‌ترین بنای باغ را می‌توان کوشک میانی آن دانست که تقریباً در مرکز باغ قرار دارد و همین موضوع را نیز می‌توان تأکیدی بر اهمیت آن دانست. از چگونگی این بنا در زمان صفوی اطلاعات چندانی در دست نیست. تنها دلاواله بنای دیوانخانه را با دقت بسیار توصیف می‌کند (دلاواله، ۱۳۷۰، ۲۱۵). اگرچه از بنای مورد بحث به جز تصویر موجود در سفرنامه دلاواله (شکل ۱۶) (که با وجود اشتباهات بسیار می‌توان از آن استفاده کرد) تصویری باقی نمانده است، اما از همین توصیفات نیز می‌توان تا حدودی به چگونگی عمارت پی برد. دلاواله عمارت دیوانخانه را بنایی می‌داند که از سه طرف با دیوار پوشیده شده و تنها از جهت شمال دیوار ندارد و باز است. او دیوارهای سمت شرق و غرب و جنوب را دیوارهایی پوشیده از پنجره می‌داند و تنها یک در را در وسط دیوار جنوبی توصیف می‌کند که در صورت باز بودن آن، می‌توان امتداد خیابان را از شمال تا جنوب مشاهده نمود (این توصیفات در تصویر اضافه شده به سفرنامه، اگرچه با اشتباه، دیده می‌شود). این طرح ساختمان با توجه به اقلیم و آب و هوای مرطوب این ناحیه بسیار منطقی و قابل توجیه به نظر می‌رسد، زیرا تنها با گشودن پنجره‌ها و ایجاد کوران هوا می‌توان تا حدودی از شدت رطوبت کاست و بناهای سنتی منطقه نیز این ویژگی را تأیید می‌کنند. دلاواله نه در گزارش‌ها و نه در طرح دستی خود از عمارت دیوانخانه به هیچ اتاقی اشاره نمی‌کند و این در حالی است که همین سیاح در توصیفات خود از باغ‌های دیگری مانند باغ تپه و باغ خلوت و ... به دقت به ذکر جزئیات اتاق‌ها می‌پردازد. بنابراین می‌توان دیوانخانه را در زمان شاه عباس، تنها شامل تالاری دانست که برای پذیرایی‌های درباری از آن استفاده می‌شده و کاخ‌های دیگر برای سکونت استفاده می‌شدند.



شکل ۱۶. تصویری که در سفرنامه دلاواله برای عمارت دیوانخانه ارائه شده است. (اشتباه در محور طولی و عرضی بنا به این علت می‌تواند باشد که این تصویر بعدها بر اساس توصیفات دلاواله کشیده و به سفرنامه اضافه شده است) به درب دیوار جنوبی و نبودن اتاق در طرفین بنا توجه شود.

منبع: دلاواله، ۱۳۷۰، ۲۳۲

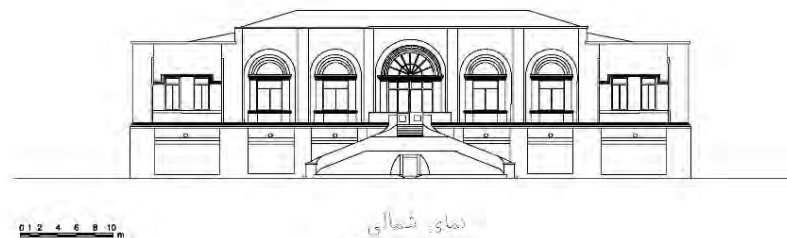
برای دقیق‌تر شدن تصویر عمارت دولتخانه در شهر اشرف‌البلاد، می‌توان از توصیف دولتخانه‌های دیگر صفوی بهره برد. هانوی که در سال ۱۷۴۳ میلادی (۱۱۵۶ ه.ق.) از ایران دیدن کرده است، در توضیح عبارت دیوانخانه در گزارش‌های خود این‌گونه می‌نویسد: «دیوانخانه سالنی بود که شاهان صفویه مسائل

دولتی را در آن حل و فصل می‌کردند. این تالار پشت عالی قاپو قرار گرفته و جلوی آن کاملاً باز بوده است» (همایون، ۱۳۴۸، ۶۳). انگلبرت کمپفر نیز که در سال ۱۸۲۱ میلادی (۱۲۳۷ ق.ه) به خدمت شاه سلیمان رسید، کوشکی را در باغ سعادت آباد توصیف می‌کند که سه طرف آن باز بود و دیواری پر از پنجره داشت (همایون، ۱۳۴۸، ۱۲۱). با در نظر گرفتن این توصیفات و با توجه به اینکه بر اساس اسناد تاریخی، عمارت صفوی در حمله افغان‌ها به‌طور کامل در آتش سوخت، می‌توان تصور کرد که بنای دیوانخانه ساخته شده در زمان شاه عباس، بنایی سبک بوده و به‌احتمال بسیار زیاد با ساختار چوبی بوده است. این فرضیه با توجه به اقلیم منطقه، سبک و سیاق بناهای معمول در این اقلیم و مصالح بوم‌آورد منطقی به نظر می‌آید.

در زمان نادرشاه افشار، بنای کوشک دوباره ساخته شد. آنچه از طرحی که توسط هومر دوهل ارائه شده به‌دست می‌آید و نقشه‌های تهیه شده توسط محققان دیگر از جمله دمورگان آن را تأیید می‌کند این است که بنای نادرشاهی، با توجه به موقعیت قرارگیری آن نسبت به حوض مقابلش که ابعاد و موقعیت آن در گزارش‌های پیش و پس از بازسازی ثابت بوده است، بر جای عمارت دیوانخانه ساخته شده است. ویژگی‌های معماری کوشک افشاری بسیار مشابه معماری دوره صفوی است، فضاها، سازه، ستون‌های چوبی و حتی تزئینات به‌کار رفته در بنا کاملاً یادآور بناهای دوره صفوی است. شاید نامیدن بنا به‌نام چهلستون (نامی که بعدها به باغ نیز تعمیم داده شد)^۲ به همین علت بوده باشد. بنای کوشک در این زمان شامل تالاری در وسط و اتاق‌هایی در دو طبقه در دو جانب تالار بود.

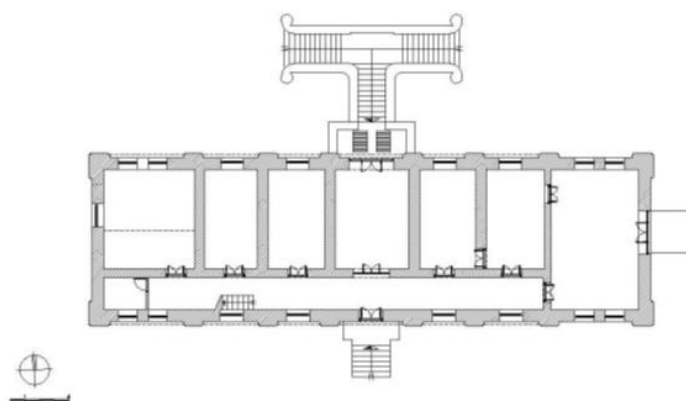
این بنا در زمان ناصرالدین شاه مجدداً مورد تعمیرات و تغییرات قرار گرفت که در قسمت‌های پیشین درباره این تغییرات مفصلاً بحث شد. از تصاویر و نقشه‌های به‌جا مانده از بنای کوشک قاجاری می‌توان دریافت که در این دوران، ساختار کلی کوشک تغییر چندانی نکرده و تنها برخی از جزئیات متفاوت شده‌اند. فضاها، اتاق‌های دو طرف و تالار میانی حفظ شده‌اند، اما با چهره‌ای کاملاً متفاوت؛ تالار به‌جای ستون‌های چوبی بر روی جرزه‌های باریک و قوس‌های نیم‌دایره نگه داشته شده و بنا تا حد زیادی ساده و عاری از تزئینات شده است.

در دوران پهلوی نیز این بنا مورد تغییرات اساسی قرار گرفت، اما هنوز هم می‌توان با کمی دقت خطوطی کمرنگ از بنای پیشین را در بنای کنونی پیدا کرد^۴ و همین نکته گویای این مطلب است که بنای حاضر علی‌رغم چهره کاملاً متفاوت، ساختار بناهای پیش از خود را حفظ نموده است (شکل‌های ۱۷ و ۱۸). اگرچه اثبات این فرضیه نیازمند انجام گمانه‌هایی بر دیواره موجود بنا و اطمینان از وجود لایه‌های دیوار قاجاری در زیر آن است. در سال ۱۳۶۶ با حفظ ظاهر عمارت باغ، داخل آن از یک طبقه به سه طبقه و کاربری آن به شه‌دار، c، تغب داده شده است.



شکل ۱۷. نقشه وضع موجود کوشک پهلوی باغ شاه، نمای شمالی

منبع: سازمان میراث فرهنگی استان مازندران



شکل ۱۸. نقشه وضع موجود کوشک پهلوی باغ شاه، پلان طبقه اول
منبع: سازمان میراث فرهنگی استان مازندران

همان‌طور که پیشتر گفته شد، در سال‌های اخیر در پی تغییر کاربری باغ به پارک عمومی و شهرداری بهشهر، عملکردهای جدیدی مانند باغ‌وحش، پارک بازی کودکان، ایستگاه تاکسی‌رانی و ... به باغ افزوده شده که طبیعتاً بناهایی با معماری ناسازگار نیز به جهت استقرار آنها در داخل محوطه باغ ساخته شده است.

حصار باغ

در باغ شاه بهشهر حصاری با چندین برج و بارو وجود دارد که در طول عمر طولانی خود بارها تخریب شده و تغییراتی را نیز به خود دیده است. حصار باغ در دست‌نخورده‌ترین و قدیمی‌ترین قسمت‌های آن (که در بخش غربی و جنوب‌غربی باغ مشاهده می‌شوند)، دیواری آجری به نظر می‌رسد (شکل ۱۹). در قسمت فوقانی دیوار یک برآمدگی با مقطع نیم‌دایره مشاهده می‌شود که می‌تواند به جهت ریزش آب باران باشد. این برآمدگی مشابه جزئیاتی است که دموورگان برای دیوار باغ‌تپه ارائه می‌کند (دمورگان، ۱۸۹۴، ۱۸۴). در طی تعمیرات اخیر بخش اعظم حصار با سنگ‌های بادبر و ملات سیمان بازسازی شده است و در بعضی از قسمت‌های آن، سنگ و آجر در کنار هم دیده می‌شوند. در مواردی هم دیوار کوتاه آجری جدیدی بالای حصار قدیمی ساخته شده که حتی بر روی باروها هم ادامه پیدا کرده است.



شکل ۱۹. تصویر بخشی از حصار اصیل موجود در باغ که قسمت‌های آجری و سنگی آن به‌وضوح مشخص است
منبع: نگارندگان

در پی تغییرات بافت پیرامون باغ از قبیل احداث خیابان در جنوب باغ و از میان رفتن میدان جلوی ورودی، حصار قسمت ورودی نیز تخریب و باقی‌مانده‌های میدان نیز به فضای باغ اضافه شد. این مسئله با توجه به نوساز بودن دیواره‌های باغ در قسمت جنوبی و تطبیق نقشه‌های جدید با طرح اصیل باغ کاملاً واضح است.

نقشه‌های دوره‌بندی باغ

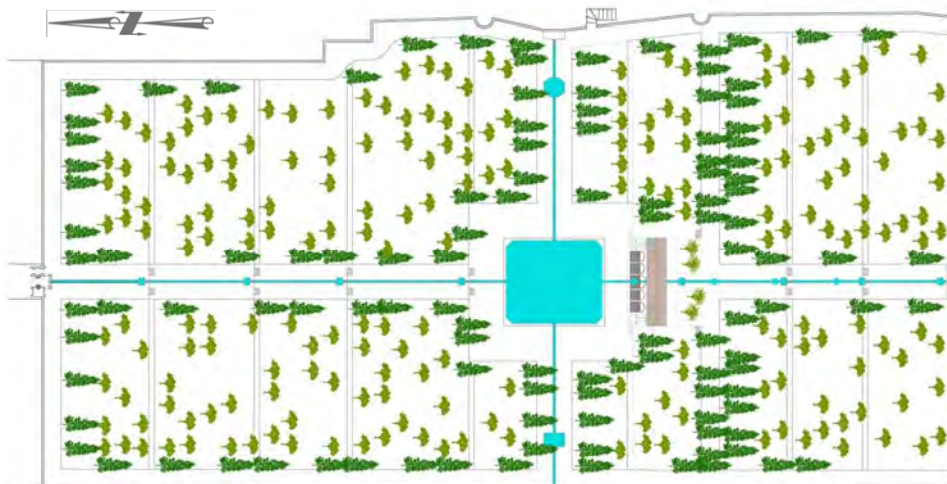
با توجه به تمام آنچه که درباره تغییرات و تحولات باغ شاه اعم از تغییر در نظام گردش آب، کاشت گیاهان، بناهای موجود در باغ و... در دوره‌های مختلف گفته شد، می‌توان تمام این تغییرات را در قالب چند نقشه ارائه کرد که به صورت شماتیک سیمای باغ و گوشه‌های آن را در دوره‌های مختلف تاریخی نشان می‌دهند (شکل‌های ۲۰ تا ۲۳). لازم به ذکر است که این نقشه‌ها که براساس اسناد و شواهد یاد شده ترسیم شده‌اند، تنها مدلی از سیمای باغ در هر دوره زمانی ارائه می‌کنند که بتوان با کمک آن تغییرات صورت گرفته در باغ را دنبال کرد.



شکل ۲۰. نقشه بازسازی شده باغ شاه در دوران صفوی (به شکل گوشه و نظام گردش آب توجه شود)
منبع: نگارندگان



شکل ۲۱. نقشه بازسازی شده باغ چهلستون در دوران افشاری
(به تغییرات انجام شده در گوشه اصلی و نظام گردش آب توجه شود)
منبع: نگارندگان



شکل ۲۲. نقشه بازسازی شده باغ چهلستون در دوران قاجار
(به تغییرات انجام شده در گوشه اصلی و بی توجهی به گیاهان باغ توجه شود)

منبع: نگارندگان



شکل ۲۳. نقشه بازسازی شده باغ چهلستون در دوران پهلوی و در حال حاضر
(به شکل متفاوت گوشه، بناهای افزوده شده در داخل باغ و تغییرات صورت گرفته در نظام گردش آب و کاشت گیاهان توجه شود)

منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

نتیجه مباحث صورت گرفته را می‌توان در سه نکته بیان کرد. نخست این که باغ شاه بر اساس اسناد موجود قابل بازیابی است و می‌توان این بازیابی را برای باغ اصلی تا دستیابی به شکل اصیل معماری باغ و با بررسی دقیق‌تر مانند گمانه‌زنی و مطالعه وسیع‌تر منابع تاریخی ادامه داد؛ هرچند در اینجا به ساختار و شکل کلی باغ بسنده شده است. نکته دوم را می‌توان اهمیت بررسی باغ شاه به عنوان یکی از باغ‌های مجموعه باغ‌های شاهی شهر اصفهان دانست که باید در تمام مدت مطالعه مورد توجه قرار گیرد. چراکه با دقت در مراحل تغییر باغ شاه می‌توان اذعان داشت که روند تغییرات از زمانی تسریع شده است که ارتباط باغ شاه با سایر اجزای مجموعه مانند میدان و سایر باغ‌ها به دلایل مختلف مانند تخریب عناصر و یا تغییر روابط فضاها در برنامه‌های توسعه معاصر شهری کم‌رنگ گردیده است. سومین نکته توجه دادن به این مسئله است که مهم‌ترین دلیل برای بازیابی باغ شاه نگاه دقیق به چگونگی اضمحلال آن در بافت شهری جدید

بوده است، چراکه این مسئله تاکنون باعث تغییر جایگاه باغ در شهر شده و سرانجام منجر به تغییر هویت درک شده از باغ در فهم مخاطبان خواهد شد. بنابراین شاید بتوان امید داشت که با ادامه مطالعه و بررسی روند تحول سیمای باغ و توجه بیشتر به تأثیر احیای چهره اصیل باغ در هویت بخشی به شهر، از سرعت ایجاد تغییرات کاسته شود.

تشکر و قدردانی

نگارندگان بدین وسیله مراتب تشکر و قدردانی خود را از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور و همچنین آرشیو عکسخانه کاخ گلستان به دلیل همکاری در به انجام رساندن این پژوهش ابراز می‌دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در واقع این تاریخچه مربوط به آبادی‌هایی است که در زمان‌های متفاوت در منطقه‌ای که امروزه بهشهر خوانده می‌شود، وجود داشته‌اند. نام برخی از این آبادی‌ها کبودخانه، هزارجریب، کلباد و خرگوران گفته شده است (بابا عسگری، ۱۳۵۰، ۱۰۳).
۲. «نادرشاه افشار در سال ۱۱۴۸ سلسله صفویان را منقرض نمود و در دشت مغان تاج‌گذاری کرد» (بابا عسگری، ۱۳۵۰، ۱۶۹).
۳. «که اغلب ساختمان و باغ قبلی را نیز با همین نام می‌شناسند» (دونالد ویلبر، ۱۳۸۷، ۱۳۹).
۴. از جمله می‌توان به انطباق کامل قوس‌های بنای قاجاری بر قوس‌های دربرگیرنده پنجره‌های عمارت پهلوی اشاره کرد که این احتمال را ایجاد می‌کند که بنای قاجاری در زیر لایه‌های افزوده شده پهلوی هنوز موجود باشد.

فهرست منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۶۴) *مرآت‌البلدان*، به کوشش پرتو نوری اعلاء و محمدعلی سپانلو، نشر اسفار، تهران.
- بابا عسگری، علی (۱۳۵۰) *اشرف‌البلاد*، شرکت سهامی ایران چاپ، تهران.
- دلاواله، پیتر و (۱۳۷۰) *سفرنامه پیتر و دلاواله*، ترجمه شعاع‌الدین شفا، چاپ دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- دمورگان، ژاک (۱۳۳۵) *سفرنامه دمورگان*، ترجمه جهانگیر قائم مقامی، انتشارات طهوری، تهران.
- رابینو، یاسنت لویی (۱۳۶۵) *سفرنامه مازندران و استرآباد*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۸۷) *شناخت شهرهای ایران*، چاپ ماه منظر، تهران.
- شاردن، ژان (۱۳۵۰) *سیاحت‌نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، جلد چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴) *سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی*، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات طوس، تهران.
- میرزا ابراهیم (۱۳۵۵) *سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان*، به کوشش مسعود گلزاری، انتشارات بنیاد فرهنگ، تهران.
- ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۸۴) *سفرنامه ناصرالدین شاه به مازندران*، تصحیح هارون وهومن، انتشارات پانید، تهران.
- ویلبر، دونالد (۱۳۸۷) *باغ‌های ایران و کوشک‌های آن*، ترجمه مهین دخت صبا (چاپ پنجم)، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- همایون، غلامعلی (۱۳۴۸) *اسناد مصور اروپائیان از ایران*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

- Alemi, Mahvash (1994) "Giardini reali di Ashraf e Farahabad," in: Attilio Petruccioli (ed.) *Il giardino islamico, Electa*, pp. 201-216.
- De Morgan, Jan Jak (1894) *Mission Scientifique en Perse*, Ernest Leroux, Paris.
- Hanway, Jonas (1753) *A Historical Account of the British Trade over the Caspian Sea with Journal of Travels*, Dodsley, London.

Received: 24 May, 2014

Accepted: 21 December, 2014

Retrieving the Original Image of Bagh-e Shah of Ashraf Al-Belad (Behshahr) in Different Historic Periods

Samira Mansouri Roudkoli, MA in Conservation and Revitalization of Historic Building and Sites, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Yaghuob Daneshduost, PhD in Urban Planning & Design, University of Tehran, Tehran, Iran

Reza Abouie, Assistant Professor, Department of Preservation, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

In Safavid era, some royal gardens have been created in Ashraf Al-Belad, a city that was established to replace an old residential village, in north of Iran which some traces of them are remained to the present time. One of these gardens is Bagh-e Shah that was built by Shah Abbas Safavi as Divan-Khaneh, a place for visiting ambassadors, contemporary with Ashraf Al-Belad's foundation. However, development of cities, their non-normative and partly uncontrollable updates, causes changes in the historic buildings' view. Taking historic monuments into consideration as important urban elements, which give identity to the cities, is one of the best ideas for developing old cities. A modern developed city can be successful in introducing its authenticity as much as possible by revealing the concealed values of such monuments. Nonetheless, when modern urban movements began in Iran, authenticity of these monuments was sacrificed for improving function in some cases. Such negligence could be more important when planned around some organic monuments such as gardens, which changes their features or ultimately even destructs its construction. It is clear that inattentiveness to historic and esthetic values of such monuments in urban planning exposes them to destruction risk. This problem is so important for historic gardens, because of their organic construction. On the other hand, elements that form the features of a garden are inevitably so changeable themselves. Withering of flowers, fading of trees and growing of unwanted wild plants are some of such damages, which can convert features of a garden due to carelessness. So, this historic garden has been changed in its long life such extensively that today, it seems to be a modern park rather than a Persian garden. Bagh-e Shah which was established by Shah Abbas in Ashraf al-Belad, changed during its life frequently. It was burned in Afghan's invasion, rebuilt by Nader Shah-e Afshar, and repaired in Qajar era substantially. Nonetheless, its geometric order, aged trees array and irrigation system etc. which remained until now, remind us of a general image of a Persian garden. Meanwhile, conservation and urban planning without considering the original construction of this garden can induce an incorrect perception of its true nature. On the other hand, inattentiveness to such noteworthy historic gardens and converting their features to a modern park result in irreparable damage and elimination vestiges of its genuine face as a document of historic background of the city. Therefore, Bagh-e Shah as an important sample of Safavid gardening tradition and also as one of the characteristic elements of the city, is an important subject. Though major parts of the garden have changed, it is assumed that retrieving its main form and structure is still possible based on remained documents and literature. Since new features of Bagh-e Shah has created an illusory imagination of it, this paper has tried to provide the general shape and true structure of this garden by surveying the remained parts of it and studying the historical documents and literature that has discussed about this garden. In fact, this paper tries to identify the original features of this garden and its evolution over the time according to field research and historical documents.

Keywords: Bagh-e Shah, Ashraf Al-Belad, Behshahr, chronological investigation, structure of the garden.